سه‌شنبه ۵ آبان ۱۴۰۵ ■ شماره ۷۳۳۹ ■ سال بیست و نهم

PDF Compressor Free Version

وقتی زنان قربانی می‌شوند و لایحه حمایت خاک می‌خورد

روزنامه شرق در گزارشی درباره عملکرد معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، با اشاره به افزایش اخبار مربوط به قتل زنان و تداوم بلاتکلیفی لایحه منع خشونت علیه زنان، از نبود اقدامات عملی و کم‌رنگ بودن حضور رسانه‌ای این نهاد انتقاد کرده است. این گزارش با بررسی نزدیک به ۳۰ پرونده زن‌کشی از ابتدای تابستان تا آخرین روز مهرماه، عملکرد نهاد متولی امور زنان را زیر سؤال برده و به مطالبات بلاتکلیف در حوزه حقوق زنان پرداخته است.

در گزارش شرق آمده است: «در چنین وضعیتی، جای خالی اقدامی عملیاتی از سوی تنها نهاد رسمی متولی زنان در کشور، یعنی معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، یکی از بزرگ‌ترین پرسش‌های فعالان این حوزه را شکل می‌دهد؛ معاونتی که نه‌تنها در حوزه عملیاتی، بلکه حتی در عرصه رسانه‌ای هم دست به اظهارنظر خاصی نمی‌زند.»

این گزارش همچنین با اشاره به محتوای اطلاع‌رسانی معاونت زنان، از تمرکز بر خبرهای مربوط به انتصاب‌ها، دیدارها و مناسبت‌ها انتقاد کرده و نوشته است که در میان اخبار منتشرشده از سوی این نهاد، پرداختن مستمر به موضوع خشونت علیه زنان و پرونده‌های زن‌کشی اخیر به چشم نمی‌خورد.

یکی از محورهای اصلی گزارش شرق، سرنوشت نامعلوم لایحه منع خشونت علیه زنان است؛ لایحه‌ای که پس از تغییرات صورت‌گرفته در مجلس، دولت تصمیم به استرداد آن گرفت، اما روند استرداد با توافق رئیس‌جمهور و رئیس مجلس به‌طور موقت متوقف شد تا امکان بازبینی متن فراهم شود.

نرجس ابوالقاسمی، معاون بررسی‌های راهبردی معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری، در گفت‌وگو با شرق درباره موضع دولت در این زمینه گفته

است: «ما معتقدیم وجود یک قانون جامع، تخصصی و اثربخش برای پیشگیری از خشونت و حمایت از زنان، ضرورتی جدی است.» او درباره علت تصمیم دولت برای استرداد لایحه نیز توضیح داده است: «این تصمیم به معنای عقب‌نشینی از ضرورت قانون‌گذاری در این حوزه نبود، بلکه دقیقا با هدف حفظ کارکردهای اصلی لایحه و جلوگیری از تصویب متنی اتخاذ شد که نتواند اهداف مورد انتظار را محقق کند.»

به گفته ابوالقاسمی، متن بازبینی‌شده لایحه مورد تأیید معاونت امور زنان و خانواده قرار گرفته و اکنون در انتظار بررسی و پذیرش در کمیسیون اجتماعی مجلس است. او تأکید کرده که در صورت نپذیرفتن متن بازبینی‌شده، استرداد لایحه به‌صورت قطعی اعلام خواهد شد.

در بخش دیگری از گزارش، به ظرفیت‌های موجود برای حمایت از زنان خشونت‌دیده اشاره شده است. ابوالقاسمی اعلام کرده که بیش از ۳۸۶ مرکز اورژانس اجتماعی و نزدیک به ۶۰۰ تیم سیار در کشور فعالیت دارند. این تیم‌ها می‌توانند پس از دریافت گزارش، وضعیت افراد در معرض خطر را بررسی کنند و در صورت نیاز، برای مداخله قضائی و انتظامی یا انتقال آنان به مراکز حمایتی هماهنگی انجام دهند. او همچنین از فعالیت ۱۷ خانه امن دولتی و ۱۳ مرکز غیردولتی خبر داده و گفته است در شش‌ماهه نخست سال جاری، ۳۴۰ زن خشونت‌دیده و ۲۹۹ کودک در این مراکز پذیرش شده‌اند.

مجموع این موارد، پرسش اصلی گزارش شرق را شکل می‌دهد: در شرایطی که اخبار خشونت علیه زنان همچنان منتشر می‌شود و لایحه‌ای با هدف تقویت حمایت‌های قانونی از آنان هنوز به سرانجام نرسیده است، معاونت زنان و خانواده ریاست‌جمهوری تا چه اندازه توانسته از اختیارات و ظرفیت‌های موجود برای پاسخ‌گویی به این وضعیت استفاده کند؟

وقتی غر می‌زنید، مراقب مغزتان باشید

همه ما از شلوغی خیابان و گرانی گرفته تا کارهای خانه، رفتار همسر، درس بچه‌ها یا خستگی‌های روزمره، گاهی غر می‌زنیم. گلایه کردن در بسیاری از مواقع راهی برای بیان ناراحتی و سبک شدن است و به خودی خود اتفاق نگران‌کننده‌ای محسوب نمی‌شود. مسئله زمانی آغاز می‌شود که شکایت کردن به عادت همیشگی تبدیل شود و فرد تقریبا در هر اتفاقی فقط مشکل، کمبود و جنبه منفی ماجرا را ببیند.

جمله‌هایی مانند همیشه همین‌طور است، هیچ‌کس من را درک نمی‌کند، همه چیز خراب شده یا از این زندگی خسته شده‌ام، اگر مرتب تکرار شوند، فقط فضای گفت و گوی خانواده را تغییر نمی‌دهند. تکرار الگوهای فکری می‌تواند به شکل گیری عادت‌های ذهنی کمک کند. پژوهش‌های علوم اعصاب نیز نشان داده‌اند که تفکر منفی تکرارشونده با فعالیت و ارتباط میان برخی شبکه‌های مغزی ارتباط دارد. البته نباید این موضوع را این‌طور تعبیر کرد که چند بار غر زدن، مغز را تغییر می‌دهد یا انسان را به فردی منفی‌نگر تبدیل می‌کند. آنچه اهمیت دارد، تکرار و مداوم شدن یک الگوی فکری و رفتاری است.

مغز به چیزهایی که بیشتر تکرار می‌کنیم عادت می‌کند

به گزارش ایرنا، مغز انسان بسیاری از رفتارهای تکراری را به مرور خودکارتر می‌کند. پژوهش‌های مربوط به شکل‌گیری عادت نشان می‌دهند تکرار یک رفتار می‌تواند باعث شود انجام آن به تلاش شناختی کمتری نیاز داشته باشد و در شرایط مشابه، راحت‌تر دوباره اتفاق بیفتد. این موضوع را می‌توان در زندگی خانوادگی به‌خوبی دید. تصور کنید یکی از اعضای خانواده هر روز بعد از ورود به خانه از مشکلات روزش می‌گوید. یک روز از رییس ناراضی است، روز دیگر از همکار، روز بعد از ترافیک و روز دیگر از هزینه‌ها ابراز ناراحتی می‌کند. اگر این الگو دائما تکرار شود، ممکن است گفتن یک جمله منفی به واکنشی تقریبا خودکار تبدیل شود. حتی ممکن است

فرد پیش از آنکه به این فکر کند که امروز چه اتفاق خوبی افتاد؟، ذهنش به دنبال اتفاق آزاردهنده بگردد.

آیا مغز غرغرو فقط نیمه خالی لیوان را می‌بیند؟

دقیقا اینطور نیست اما تکرار تفکر منفی می‌تواند توجه فرد را بیشتر درگیر محتوای منفی کند. وقتی افکار منفی بارها و به شکل دشوارکننده‌ای تکرار می‌شوند، فرد ممکن است سخت‌تر بتواند آنها را کنار بگذارد و توجه خود را به موضوع دیگری منتقل کند. برای خانواده این موضوع یک مثال ساده دارد. اگر مادر یا پدر بعد از یک اشتباه کودک مرتب با خود بگوید این بچه هیچ‌وقت درست نمی‌شود، احتمال دارد همان اشتباه بیشتر از رفتارهای درست کودک در ذهن او باقی بماند. در حالی که اگر اشتباه را به یک اتفاق مشخص محدود کند، امکان دیدن رفتارهای مثبت کودک نیز بیشتر می‌شود.

هر گلایه‌ای غر زدن نیست

یکی از مهم‌ترین نکات این است که نباید گلایه کردن سالم را با غر زدن بی‌نتیجه یکی دانست. اگر همسر از تقسیم نشدن کارهای خانه ناراحت است و درباره آن صحبت می‌کند، این الزاما غر زدن نیست. اگر کودک از رفتار نامناسب یکی از همکلاسی‌هایش حرف می‌زند، او نیز صرفا در حال شکایت کردن نیست. اگر پدر یا مادر از یک مشکل مالی صحبت می‌کنند، ممکن است در حال تلاش برای پیدا کردن راه‌حل باشند.تفاوت اصلی در این است که گفت‌وگوی سالم معمولا به سمت شناخت مسئله، بیان احساس، درخواست کمک یا پیدا کردن راه‌حل حرکت می‌کند. اما غر زدن بی‌نتیجه معمولا در یک چرخه تکراری «مشکل، شکایت، تکرار شکایت و دوباره همان مشکل» باقی می‌ماند.

مغز و ذهن قابل تمرین دوباره هستند

اگر فردی سال‌ها عادت کرده باشد بیشتر شکایت کند، این به معنای آن نیست که دیگر نمی‌تواند شیوه دیگری را انتخاب کند. بنابراین می‌توان از تغییرهای کوچک شروع کرد. مثلا هر بار که جمله «همه چیز خراب است» به ذهن آمد، فرد از خود بپرسد: «دقیقا چه چیزی خراب است؟» یا «الان چه کاری از دست من برمی‌آید؟» این کار قرار نیست مشکل را جادویی حل کند اما کمک می‌کند ذهن از یک قضاوت کلی به سمت یک مسئله مشخص حرکت کند.

سنگ کاغذ قیچی اثر آلیس فینی

کتاب سنگ کاغذ قیچی چهارمین رمان آلیس فینی روزنامه‌نگار و نویسنده‌ی بریتانیایی است. این رمان که در ژانر معمایی نوشته شده، داستانی پررمزورواز، دلهره‌آور و پرتعلیق دارد. داستان زوج آملیا و آدام است که برای فاصله گرفتن از مشکلاتی که زندگی مشترکشان را فراگرفته و گرما بخشیدن به رابطه‌ی سردشان، راهی سفری می‌شوند که به عجیب‌ترین سفر زندگی‌شان تبدیل می‌شود. سفری که اسرار زیادی از زندگی مشترکشان را فاش می‌کند و پایانی غافل‌گیرکننده دارد.باوجود این‌که از انتشار کتاب سنگ، کاغذ، قیچی مدت زیادی نگذشته، چندبار نامزد دریافت جایزه شده است. از آن‌جمله نامزدی برای دریافت جایزه‌ی «ITW» است. جایزه‌ای که مربوط به رمان‌های برتر ژانر تریلر و هیجان‌آور است. این کتاب همچنین نامزد دریافت جایزه‌ی «گودریدز» برای داستان‌های جنایی و معمایی شده است. رمان همچنین برگزیده‌شدن به‌عنوان کتاب ماه «Club Section» را در کارنامه دارد.

بخش‌هایی از کتاب:

«رابین وارد کلبه می‌شود و در را قفل می‌کند. حولهٔ قرمز کوچکی از قلاب روی دیوار برمی‌دارد و قبل از رسیدگی به خودش، برف را از روی پنجه‌ها، پاها و شکم سگ پاک می‌کند. وقتی سگ را تمیز می‌کند، او دم می‌جنباند، بعد صورت رابین را می‌لیسد. رابین لبخند می‌زند، حیوانات را دوست دارد، مخصوصاً سگ‌هایی مثل این را. حتی اسکار خرگوشه هم از مهمان تازهٔ خانه خوشش آمده. مهمانان تا حالا دیگر می‌دانند کلیسا مال هنری است و او مُرده. رابین آرزو می‌کند وقتی سنگ قبر را پیدا کردند، می‌توانست قیافه‌هایشان را ببیند، اما آن موقع او و باب خیلی دور شده بودند. سگ خوش‌اخلاق و مهربانی است ـ حتی با اینکه گاهی بابت وزش باد هم پارس می‌کند ـ از آن‌جور سگ‌ها که به همه اعتماد می‌کنند.»

حجاب چگونه یک زن آمریکایی را به اسلام رساند؟

همه‌چیز از یک سفر به مراکش آغاز شد؛ جایی که حجاب توجه یک زن آمریکایی را به خود جلب کرد و او را به مسیری تازه برای شناخت اسلام کشاند. لیزا، زن ۳۱ ساله اهل میشیگان، پیش از مسلمان شدن سه ماه با حجاب به دانشگاه رفت؛ تجربه‌ای که به گفته او، زمینه‌ساز تصمیمی مهم در زندگی‌اش شد.

به گزارش فارس، لیزا در روایت خود از مسیر مسلمان شدنش می‌گوید هنگام سفر به مراکش، با مشاهده پوشش زنان مسلمان به حجاب علاقه‌مند شد. او در آن زمان شناخت چندانی از اسلام نداشت، اما تصمیم گرفت این نوع پوشش را تجربه کند و درباره معنای آن بیشتر بداند. این کنجکاوی به تجربه‌ای فراتر از یک انتخاب ظاهری تبدیل شد. لیزا پیش از پذیرش اسلام، به مدت سه ماه با حجاب در دانشگاه حاضر شد؛ دوره‌ای که به گفته او، فرصتی برای آشنایی بیشتر با این دین و اندیشیدن درباره نگاه اسلام به زنان فراهم کرد. او در ادامه، دیدگاه خود را درباره جایگاه زنان در اسلام و جوامع غربی مطرح می‌کند. لیزا معتقد است اسلام بر کرامت و حقوق زنان تأکید دارد، در حالی که در بخش‌هایی از فرهنگ غربی، بدن زنان به ابزاری برای تبلیغات و کسب درآمد تبدیل می‌شود. این ارزیابی، بیانگر برداشت شخصی او از تفاوت این دو نگاه است. لیزا سرانجام در سال ۲۰۱۱ با گفتن شهادتین مسلمان شد. او از این تصمیم به‌عنوان نقطه عطفی در زندگی خود یاد می‌کند و می‌گوید در مسیر تازه‌اش به آرامشی دست یافته است که پیش از آن تجربه نکرده بود.